روایت

گزارش یک جشن

مرتضی امیری اسفندقه ۵۲ ساله شد و در کتابفروشی کیهان با حضور تعدادی از شاعران و علاقه‌مندان به زبان و ادبیات فارسی جشن تولدی برایش ترتیب داده شد که با استقبال طرفداران این شاعر مواجه شد. این جشن با شعرخوانی آغاز شد و علاقه‌مندان از نقدها و تحسین‌های اسفندقه بهرمند شدند. این مراسم به گپ و گفت گذشت و او ضمن قدردانی از برگزاری این جلسه گفت: در خواب خردسالی‌های خودم هم ندیده بودم آنقدر محبت و این‌که بخت یارم باشد در کتابفروشی،

در کنار دوستانم، در روز بارانی پاییز و همزمان با روز تولد نیما یوشیج برایم جشن تولد بگیرند.

نویسنده کتاب «سیاه مست تاك» در ادامه به پرسش یك شاعرجوان برای سرودن شعر پاسخ داد و به جوانی که یك توصیه خواسته بود، تاکید کرد: شعر شروع‌کننده است، شروع نمی‌شود. شاعران با شعر شروع می‌شوند. به‌عنوان معلم ساده می‌گویم از کتاب جدا نشوید.

هادی خورشاهیان، از شاعران و نویسندگان کشور نیز درباره امیری اسفندقه گفت: بعضی‌ها سرباز گمنام امام زمان (عج) هستند اما شاعران و نویسندگانی که درباره انقلاب شعر می‌گویند و می‌نویسند از سربازان نامدار امام زمان(عج) هستند. مرتضی امیری اسفندقه بودن، افتخاری است که از هر هشت میلیارد نفر یك نفر توفیق بودنش را دارد.

یادداشت

محبت به فرزندان

ادامه از صفحه ۹

آیا کودکانتان را با فشار طرف خود می‌کشید و یا از خود دور می‌کنید؟ آیا در مورد آنها به سیلی‌زدن، نیشگون و تنبیهات بدنی دیگر متوسل می‌شوید؟

پدر و مادری که با توسل به این طرق خشونت‌آمیز بخواهند کودکان را از خود بترسانند، نتیجه‌ای جز خشم و مقابله با فرزندان عایدشان نخواهد شد. البته ممکن است برای مدت کوتاهی کودك را تحت انقیاد خود درآورند، ولی در بلندمدت بین آنها و فرزندشان جدایی ایجاد خواهد شد. در این مورد باید گفت، کودکانی که تنبیه بدنی می‌شوند بزودی می‌آموزند که آنها نیز این کار را در مورد دیگران انجام دهند. البته آنها شاید در عمق وجدان خود بدانند که تعرّض به دیگران غلط است ولی ناخودآگاه، این کار را خواهند کرد و لذا با کمترین ایجاد ناراحتی از اطرافیان، کار را به ایجاد دعوا و کتك‌کاری می‌کشانند و معتقد می‌شوند که اگر از لحاظ بدنی از انسان دیگری بزرگتر و قوی‌تر باشند، می‌توانند او را کتك بزنند و از عواقب آن نیز باکی نداشته باشند، زیرا والدین آن چنین می‌کنند و از عواقب آن نیز بیمی ندارند. اگر شما چنین هستید پیشنهاد می‌کنم روش خود را تغییر دهید.}

خاطرات سرباز شکلاتی زنده شد

سیمین دانشور دو کتاب ترجمه دارد به نام سرباز شکلاتی و رمز موفق زیستن که سال‌ها از نشر آنها می‌گذرد اما بتازگی نشر روزنه آنها را دوباره منتشر کرده است. مهر این خبر را منتشر کرده و نوشته، کتاب سرباز شکلاتی عنوان نمایشنامه‌ای است از جرج برنارد شاو که برای نخستین بار سال ۱۳۲۸ توسط دانشور به فارسی ترجمه و با مقدمه‌ای از جلال آل احمد منتشر شد. این نمایشنامه سال ۱۳۲۶ به کارگردانی الوال ساتن در تهران اجرا شد و در آن بهرام دیابیگی، محمدعلی ایثاری، صادق چوبك، نظام شفا، ملوك کریك، ایران میکائیل‌زاده و پری خلیلی به ایفای نقش پرداخته‌اند. کتاب رمز موفق زیستن نیز اثری است از دیل کارنگی که سال ۱۳۳۲ برای نخستین بار ترجمه و منتشر شده است. دانشور در مقدمه کتاب نوشته رمز موفق زیستن براساس متنی با عنوان شرح‌حال‌های پنج دقیقه‌ای انتشار یافته و یکی از معروف‌ترین و پرخواننده‌ترین آثار کارنگی به‌عنوان یك روان‌شناس آمریکایی است.

شاید کمتر خبرنگاری را بشناسیم که سال‌های زیادی در یک حوزه تخصصی در تلویزیون کار کرده باشد میترا لبافی یکی از آنهاست

به مناسبت هفته کتاب پای حرف‌های خبرنگاری نشسته‌ایم که سال‌هاست در حوزه کتاب کار می‌کند

از آب گرفتگی معابر تهران تا خبرنگاری کتاب

ادامه از صفحه ۹

کاش کتاب اینقدر غریب نبود

کسی که سال‌های زیادی گزارشگر اتفاقات حوزه کتاب بوده و در بطن رویدادهای مرتبط با کتاب حضور داشته و خوب و بدش را چشیده و لمس کرده، احتمالا می‌تواند نظر درست و دقیقی درباره کتابخوانی داشته باشد.

فکر می‌کنی جامعه ما واقعا کتابخوان نیست؟

واقعیت این است که متاسفانه کتابخوانی در جامعه ما فراگیر نیست اما آن دسته‌ای که اهل خواندن هستند، بسیار پیگیر و مشتاقانه کتاب می‌خوانند و به راستی کتابخوان‌های حرفه‌ای هستند. البته این هم قابل توجه است که ما در قشر کودك و نوجوان هم کتابخوان‌های زیادی داریم که مشتاقانه مطالعه می‌کنند ولی انگار از جایی به بعد کتاب‌خواندن را رها می‌کنند. در واقع شاید اکثریت جامعه ما کتابخوان نباشند و به ایده‌آل‌ها نزدیك نباشیم اما آنهایی که می‌خوانند مخاطبانی بسیار مطلع و خاص هستند. قرار هم نیست مدینه فاضله‌ای داشته باشیم سرشار از آدم‌های خاص. اما کاش کتاب فراگیرتر از این بود.

اگر مردم ما کتابخوان نیستند و اگر آمارهای منتشر شده از سرانه کتابخوانی درست است، چرا پدیده قاچاق کتاب داریم؟

درباره آمار سرانه کتابخوانی به نظر می‌رسد همه مؤلفه‌ها و شاخصه‌ها اندازه‌گیری نمی‌شود و درباره قاچاق کتاب هم باید به این نکته اشاره کنم که آنالیز کتاب‌هایی که قاچاق می‌شوند، روش خوبی است برای این‌که خیلی چیزها درباره کتابخوانی مردم بفهمیم؛ از سلیقه و علاقه آنها گرفته تا چالش‌های صنعت نشر کشورمان. ما طیف‌های مختلف کتابخوان و اندیشه‌های متفاوت داریم. این موضوع می‌تواند نویسندگان و ناشران را یاری کند تا با نیاز مخاطب پیش بروند.

همه چیز از کیهان شروع شد

میترا لبافی در رشته زبان و ادبیات فارسی تحصیل کرده و شاید طبیعی بود که حوزه کتاب را برای فعالیت حرفه‌ای خود انتخاب کند و عنوان خبرنگار این حوزه شناخته شود اما همه چیز به همین سر راستی نبود.

چطور شد که وارد دنیای مطبوعات شدی و چرا حوزه کتاب را انتخاب کردی؟

می‌خواستم نویسنده شوم. مثل خیلی‌های دیگری که وارد مطبوعات می‌شوند که نویسندگی را تمرین کنند اما گرفتار امرار معاش و روزمرگی می‌شوند، من هم وقتی به خودم آمدم که خبرنگار شده بودم و داشتم برای مطبوعات می‌نوشتم.

دانشجو بودم و ۱۹ ساله که وارد دنیای مطبوعات شدم، کارم را با کیهان شروع کردم و آقای اثنی‌عشری که روز اول به من گفت: مطلبت را مثل همه روز اولی‌ها در سطل زباله نمی‌اندازم. کمی گذشت و به زن روزکه در موسسه کیهان منتشر می‌شد، پیوستم و به عنوان یك خبرنگار حق‌التالیفی با همشهری و بعد با کتاب هفته، روزنامه آفرینش، کتاب ماه، مجلات سروش هفتگی و بانوان و چند جای دیگر همکاری کردم. برای مجلاتی مانند فیلم و دنیای تصویر نقد فیلم می‌نوشتم.

نیمه‌های دهه ۷۰ اوضاع نشر خوب بود و کتاب‌های زیادی منتشر می‌شد، بنابراین شکل‌گیری نشریه‌ای مانند کتاب هفته یکی از اتفاقات خوب در آن سال‌ها بود و فرصت خوبی برای من که خودم را به عنوان خبرنگار حوزه کتاب بشناسم و تثبیت کنم.

از کی به عنوان خبرنگار وارد تلویزیون شدی؟

اواخر سال ۱۳۷۹ بود. دکتر جبلی به عنوان مدیر کل اخبار داخلی در واحد مرکزی خبر انتخاب شدند. ایشان به مطبوعاتی‌ها توجه ویژه داشتند و می‌خواستند که مطبوعاتی‌ها را به واحد مرکزی خبر دعوت کنند. اسم من هم در فهرست خبرنگارهایی بود که به ایشان معرفی شده بودند و به این ترتیب وارد سازمان صدا و سیما شدم.

و از تو خواستند که همچنان خبرنگار حوزه کتاب باشی یا نه؟

همه ما مطبوعاتی‌ها را به آقای احمد هنروران معرفی کردند که در تربیت خبرنگار استاد بود و بی‌نظیر. قرار بود با جنس کار تصویری آشنا شویم و در این باره از آقای هنروران چیزهای زیادی یاد بگیریم، اما نکته اینجا بود که ایشان دبیر گروه اجتماعی بودند و من خبرنگار حوزه کتاب! یادم هست که روز اول مرا برای تهیه گزارش به همراه یکی از آقایان خبرنگار فرستادند ارتش! روز دوم هم با من تماس گرفتند که از آبگرفتگی یکی از خیابان‌های تهران گزارش تهیه‌کنم.

چند ماهی در حوزه اجتماعی ماندم، اما یك روز تصمیم نهایی را گرفتم و به مدیر مربوط درباره سابقه‌ام توضیح دادم و این‌که سال‌ها در حوزه فرهنگ و ادبیات و کتاب کار کرده‌ام، به این حوزه تسلط دارم و خیلی‌ها را می‌شناسم. این شد که خبرنگار حوزه کتاب شدم!

شاید او را به اسم نشناسید اما حالا که تصویرش را می‌بینید حتما به خاطر می‌آورید که او را در بخش‌های خبری دیده‌اید و شاید شما هم او را در بالگرد به یاد آورید اما میترا لبافی از دنیای کتاب و ادبیات گزارش می دهد

شهرت قلم ماندگارتر از تصویر است

ماندن در یك حوزه و البته فعالیت در رسانه‌ای مانند تلویزیون که مخاطبان بسیار زیادی دارد، برای میترا لبافی شهرتی به همراه داشته که اگر در مطبوعات می‌ماند برایش رقم نمی‌خورد اما او در این باره نظر دیگری دارد. او معتقد است شهرت تصویر کوتاه‌مدت و کم عمق است اما کار نوشتاری ارزش دیگری دارد که همیشه به آن وفادار بوده و معتقد است شهرت قلم ماندگارتر از تصویر است، برای همین سعی می‌کند گزارش‌هایش را با متنی روان و ساده در عین حال موثر بنویسد و به ارزش متن در گزارش تاکید دارد. شاید به خاطر سابقه مطبوعاتی‌اش و شاید به خاطر معلمانی که در ابتدای راه در تلویزیون داشته و خودش را مدیون آنها می‌داند.

آیا همیشه در تلویزیون در حوزه کتاب فعالیت کرده‌ای؟

همه ما خبرنگارانی بودیم که در یك شاخه و زمینه مشخص فعالیت می‌کردیم و البته در کنارش گزارش‌های عمومی و ملی هم تولید می‌کردیم مثل گزارش‌هایی درباره انتخابات یا مناسبت‌های ملی. این‌که گزارشگران حوزه فرهنگ و هنر می‌توانستند درباره موضوعات اجتماعی و سیاسی گزارش تولید کنند، اتفاق خوبی بود چون ما به واسطه جنس اخبار فرهنگی یاد گرفته بودیم که اطلاعات موجود را پردازش کنیم و برای گزارشمان متن بنویسیم و می‌توانستیم گزارش‌های متفاوتی درباره موضوعات غیرفرهنگی ارائه بدهیم. البته چون همکار هستیم، این را هم بگویم دوست داشتید منتشر کنید یا حذف کنید. من هنوز حسرت روزهای روزنامه‌نگاری را می‌خورم. من فکر نمی‌کنم ما خیلی موفق بودیم. الان روزنامه‌نگاران زیادی از هم‌دوره‌ای‌ها را می‌بینم که فعالیت گسترده‌ای داشتند و با قلم ارتباط تنگاتنگی دارند. شاید هم این دو زمینه تلویزیون و مطبوعات همیشه برای هر دوطرف تصوراتی ایجاد کرده اما من که از مطبوعات جدا شده‌ام قدرش را می‌دانم. خوشا به حالتان که هر روز می‌نویسید و می‌خوانید. و مخاطبان شما هم صددرصد اهل خواندن هستند. حوزه سینما هم از جمله علاقه‌هایم بوده و سال‌ها در مجلات نقد فیلم نوشته‌ام. عضو انجمن منتقدان بودم و از این حوزه دور نیستم.

چقدر طول کشید که بر تولید گزارش تصویری مسلط شوی؟

خیلی طول نکشید چون خوشبختانه واحد مرکزی خبر زیرساخت‌های خوبی داشت و ما مدیران خوش‌فکری داشتیم که ارزش قلم و توانایی نوشتن را درك می‌کردند. در عین حال معتقدم، اساس گزارش تلویزیونی، متن است. گاهی همان قله‌ها و اوج و فرودهای نوشته در گزارش تلویزیونی نمود پیدا می‌کند و اگر تصویر و بازی‌هایش را بدانی به خوبی می‌توانی از این دو قابلیت دوش به دوش هم استفاده کنی و حتی خطوط سفید نوشته‌ات را هم در تلویزیون پیاده کنی و ضرباهنگ خوبی برای گزارش‌هایت بسازی.

وکی متوجه شدی که چهره شده‌ای و به شهرت رسیده‌ای؟

شاید آن زمان خیلی متوجه نبودم اما هر کدام ما داشتیم در حوزه خودمان پیش می‌رفتیم. روحیه من خیلی با شهرت هماهنگ نیست ولی فکر می‌کنم یکی از دلایل شناخته‌شدنم این بود که در اخبار تلویزیون تا آن زمان، خبرهای حوزه کتاب و ادبیات خیلی پررنگ نبود یا دست‌کم به اندازه مطبوعات نبود و همین نکته باعث شد توجه‌ها به سمت من جلب شود. البته یك نکته بسیار مهم را نباید از قلم بیندازم و آن هم توجه ویژه سردبیر وقت اخبار ۲۱ آقای بوالی به خبر کتاب بود که بعدها در مجموعه واحد مرکزی خبر هم آن را دنبال کردند البته آقای سبقتی، از روسای قدیمی و پیشکسوت واحد هم حامی خوبی بودند و همیشه به قلم و متن اهمیت می‌دادند و با تشویق‌های دلگرم‌کننده مسیر را برایم روشن کردند. آن وقت‌ها گزارش‌های فرهنگی بخصوص حوزه کتاب در انتهای بخش‌های خبری پخش نمی‌شد و برنامه مشخصی داشت.

یادم هست که فهرستی از موضوعاتی را که می‌شد درباره آنها گزارش نوشت به ایشان دادم، با وجود تمام سختگیری‌هایشان بشدت استقبال کردند و ترتیبی دادند که من تا مدت‌ها به صورت هفتگی گزارش کتاب داشته باشم.

اطلاعیه مهم

وزارت صنعت، معدن و تجارت
سازمان صنعت، معدن و تجارت استان کرمان

پیرو آگهی مزایده های معادن متروکه و غیرفعال، درخواست های شن و ماسه ابطالی و محدوده‌ها و پروانه های اکتشافی ابطالی آبان ۹۷ منتشر شده در روزنامه های ندای وحدت، جهان صنعت، ندای اعتدال، جام جم، ایران و آینده ما، بدینوسیله و با عنایت به بخشنامه جدید الاصدار شماره ۶۰/۲۰۸۷۶۱ مورخ ۹۷/۸/۹ معاونت محترم امور معادن و صنایع معدنی وزارت صنعت، معدن و تجارت مزایده های فوق الذکر لغو می گردند.

روابط عمومی سازمان صنعت، معدن و تجارت استان کرمان ۲۹۲۷۲۴

آگهی مناقصه عمومی

نوبت دوم(یک مرحله ای)

۱- مناقصه گذار: شهرداری بیدستان ۲-موضوع مناقصه: احداث ساختمان کتابخانه شهر بیدستان در دو طبقه وفق نقشه و مشخصات مندرج در اسناد مناقصه ۳-بر آورد اولیه: ۱۹/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (برمبنای فهارس بهاء ابنیه، تاسیسات مکانیکی، تاسیسات برق، سال ۱۳۹۷) ارجاع کار بر مبنای پیمان سرجمع می باشد.۴-مدت اجرای کار: ۱۴ ماه ۵-مبلغ و نوع تضمین شرکت در مناقصه: ضمانت نامه بانکی یا واریز وجه نقد به حساب ۳۱۰۰۰۰۰۸۱۶۰۰۹ بانک ملی شعبه بیدستان به نام شهرداری بیدستان به مبلغ ۹۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال که می بایست به مدت ۳ ماه دارای اعتبار باشد.وجه قرارداد از محل اعتبارات داخلی یا عمرانی و اسناد خزانه اسلامی پرداخت خواهد شد.۶- مهلت دریافت اسناد مناقصه: از تاریخ انتشار آگهی نوبت دوم به مدت ۱۰ روز از تاریخ (۹۷/۰۸/۲۶ الی ۹۷/۰۹/۰۵). ۷-تاریخ مهلت ارسال اسناد مناقصه به شهرداری بیدستان: پایان وقت اداری روز پنجشنبه مورخ ۹۷/۰۹/۱۵ . ۸-محل دریافت اسناد مناقصه: از محل امور قراردادهای شهرداری بیدستان ۹-تاریخ تشکیل کمیسیون معاملات: روز شنبه مورخ ۹۷/۰۹/۱۷ ساعت ۱۴:۳۰ برای کسب اطلاعات بیشتر با پایگاه ملی مناقصات رجوع شود. این آگهی در سایت اینترنتی شهرداری بیدستان به آدرس WWW. BIDESTANCITY.IR درج شده است.حداقل رتبه شرکت در مناقصه رتبه ۳ ابنیه و ساختمان و ۵ تاسیسات و تجهیزات می باشد.هزینه آگهی هر چند نوبت برعهده برنده مناقصه می باشد. شهرداری در رد و یا قبول هر یک از پیشنهادات مختار می باشد.جزئیات بیشتر در اسناد مناقصه درج گردیده است. ۱۰ – زمان چاپ دوم آگهی : یک هفته پس از چاپ نوبت اول

شماره تماس: ۰۲۸-۳۲۳۲۸۳۵۵

شهرداری مشهد معاونت اقتصادی

مشهد شهر هوشمند شهر امید و زندگی
MASHHAD A SMART CITY CITY OF LIFE & HOPE

آگهی مناقصه عمومی

واگذاری یکصد دستگاه مینی بوس

متعلق به شهرداری مشهد و بهره برداری از آن در خطوط مشخص

معاونت اقتصادی شهرداری مشهد وسازمان اتوبوسرانی شهرداری مشهد در نظر دارند تعداد ۱۰۰ دستگاه مینی بوس متعلق به شهرداری و بهره‌برداری از آنها در خطوط مشخص را با رعایت ضوابط آیین نامه واگذاری اتوبوس و بهره‌برداری از خطوط اتوبوسرانی با شرایط اسناد حاضر، به بخش خصوصی (اشخاص حقوقی) واجد شرایط واگذار نماید. لذا از متقاضیانی که تمایل به شرکت در این مناقصه را دارند تقاضا می‌گردد از طریق مراجعه به سایت مناقصات و مزایدات شهرداری مشهد به آدرس ETS.MASHHAD.IR یا سایت معاونت اقتصادی شهرداری مشهد به آدرس ECO.MASHHAD.IR نسبت به اخذ اسناد اقدام نمایند.

آخرین مهلت بابت تحویل اسناد مناقصه: تا ساعت ۱۷ روزشنبه مورخ ۹۷/۰۹/۰۳

محل تحویل اسناد: مشهد، خیابان دانشگاه، برج آلتون، طبقه ۱۸ واحد ۱۲ دبیرخانه معاونت اقتصادی | تلفن پاسخگویی به سوالات: ۰۵۱-۳۳۴۴۸۲۸۰ و ۰۵۱-۳۳۴۴۸۳۰۱

جام جم

با جام جم در سراسر ایران

سازمان آگهی‌های روزنامه جام جم

شماره تلفن‌های پذیرش ۸۸۱۷۰۹۲۶ – ۸۸۵۰۶۲۴۷ – ۲۳۰۰۴۰۳۲